

نیایش‌های نهران آسمانی در اشعار الکساندر پوشکین

^۱ مرضیه یحیی پور^۲ جان‌اله کریمی مطهر^۳ تاتیانا ولادیمیروونا مالتسوا^۴ معصومه میرزایی

چکیده:

مقاله ابتدا اشاره‌ای کوتاه به خاستگاه نیایش دارد که متأثر از اعتقادات و باورهای فردی و اجتماعی است و سپس به ورود آن در آثار ادبی و چگونگی بیان آن توسط نویسندگان و شاعران فارسی و روسی می‌پردازد. آثار ادبی نیایشی غالباً متأثر از اعتقادات و باورهای نویسندگان و شاعران آفریده می‌شوند. پیرامون نیایش در متون ادبی کهن و معاصر سخن فراوان است. نیایش اشکال گوناگون دارد و در ادبیات منثور و منظوم، غالباً حامل پیام خداشناسی و پیوند انسان با عالم ملکوت و در واقع خلوت کردن نویسنده و شاعر با معبود است. نویسندگان و شاعران زیادی از ایران و روسیه، مانند مولوی، سعدی، حافظ، فارابی، عطار، پوشکین، لرماتف، بونین و دیگران در آثار خود به این موضوع پرداخته‌اند. برخی بر اساس مضامین کتب مذهبی یا تحت‌تأثیر شگفتی‌های کائنات آثاری از خود بر جای گذاشته‌اند. ادبیات نیایشی فارسی با ستایش پروردگار آغاز می‌شود، مانند شاهنامه فردوسی، گلستان و بوستان سعدی و دیوان اشعار عطار. در ادبیات روسی سده‌های گوناگون نیز آثار نیایشی در قالب‌های گوناگون مشاهده می‌شود. در پژوهش حاضر به‌شکل موردی به موضوع نیایش در اشعار الکساندر پوشکین پرداخته می‌شود که متأثر از اعتقادات دینی او است. نیایش در اشعار پوشکین به‌شکل تمنای ادبی یا سپاس از خداوند و یاری طلبیدن از مقدسات است. نیایش‌های او درباره‌ی خدا، نزدیکان، وظیفه‌ی شعر و شاعر است. اوج معنوی اشعار نیایشی پوشکین در ظهور «فعل الهی» است. او با هنر و به‌کمک انسان‌شناسی دینی و آنگاه با نیایش جهان مادی را ترک می‌کند و به‌سوی جهان ماورا حرکت می‌کند.

کلید واژه‌ها:

نیایش، شاعر، اشعار نیایشی، پوشکین، «فعل الهی».

^۱ - استاد زبان و ادبیات روسی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران، ایران. نویسنده‌ مسئول:

myahya@ut.ac.ir

^۲ - استاد زبان و ادبیات روسی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران، ایران. jkarimi@ut.ac.ir^۳ - استاد دانشگاه دولتی آ.س. پوشکین لنینگراد، سن‌پتربورگ، روسیه. kflit@yandex.ru^۴ - کارشناسی ارشد ادبیات روسی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، ایران. m.mirzaei1973@ut.ac.ir

پیشگفتار

نیایش در هر آیین و ادیان الهی به شکل و شیوه خاص خود بیان شده و در اشکال گوناگون در قالب رازونیا، خلوت کردن با معشوق، تضرع و زاری و دیگر انواع صورت می‌گیرد. خاستگاه این واژه ریشه در اعتقادات و باورهای فردی و اجتماعی داشته و از این راه وارد ادبیات شده است. نیایش در ادبیات فارسی هم تعبیر گوناگون دارد و با واژه‌های حمد و ستایش، رازونیا، ذکر و تسبیح برابر و برگرفته از باورهای دینی و فرهنگی نویسنده و شاعر است. پیرامون نیایش در متون ادبی کهن و معاصر سخن فراوان گفته شده است. دهخدا واژه «نیایش» را چنین تعبیر کرده است: «دعا. آفرین. دعای نیکو. آفرین و تحسین. دعایی باشد که از روی تضرع و زاری کنند. ستایش. خواهش. عبادت.» (دهخدا ۱۳۸۵: ۳۰۷۹)

از نویسندگان و شاعران ایرانی و روسی که صاحب آثاری با مضامین نیایش هستند، می‌توان مولوی، سعدی، حافظ، فارابی، عطار، پوشکین، لرمانتف و بونین را نام برد. ادیبان ایرانی و روسی گاهی بر اساس مضامین کتب مذهبی آثاری آفریده‌اند یا تحت تأثیر شگفتی‌های کائنات، اثری از خود بر جای گذاشته‌اند.

نیایش در ادبیات فارسی

ادبیات نیایشی فارسی غالباً با ستایش پروردگار آغاز می‌شود، مانند «شاهنامه» فردوسی، «گلستان» و «بوستان» سعدی و «دیوان قصاید» عطار. در اشعار شاعران ایرانی نیایش‌ها، دعاها، تسبیحات، ذکرها و مناجات مضمون پیام خداشناسی و پیوند آفریننده اثر با خالق هستند که بر اساس باورهای دینی آنها وارد آثارشان شده است.

به نام خداوند جان و خرد	کزین برتر اندیشه برنگذرد
خداوند نام و خداوند جای	خداوند روزی ده رهنم‌ای
خداوند کیوان و گردان سپهر	فروزنده ماه و ناهید و مهر
ز نام و نشان و گمان برترست	نگارنده بر شده پیکرست

(فردوسی ۱۳۸۴: ۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَنْتَ خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربتست، و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که

فرو می‌رود مملّ حیاتست و چون بر می‌آید مفرّح ذات؛ پس در هر نفسی دو نعمت موجودست و بر هر نعمتی شکری واجب

از دست و زبان که برآید
 إعملوا آلَ داودَ شُكْرًا
 کز عهده شکرش به در آید
 بنده همان به که ز تقصیر خویش
 ورنه سزوار خداوندیش
 کس نتواند که به جای آورد
 (سعدی دیباجه گلستان، ۱۳۷۶، ۲۷)

به نام خداوند جان آفرین
 خداوند بخشنده دستگیر
 حکیم سخن در زبان آفرین
 کریم خطا بخش پوزش پذیر
 به هر در که شد هیچ عزت نیافت
 به هر کز درش سر بتافت
 (سعدی دیباجه بوستان، ۱۳۷۶، ۹)

سبحان قادری که صفاتش ز کبریا
 گر صد هزار قرن همه خلق کاینات
 بر خاک عجز می‌فکنند عقل انبیا
 فکرت کنند در صفت و عزت خدا
 (عطار، دیوان اشعار «قصاید»، ۱۳۳۹)

به اعتقاد بیابانکی و ولیئی نیایش‌های شاعران ایرانی شورانگیز هستند و در تمامی قالب‌های شعر فارسی جریان دارد، «و از چنان گسترش و ژرفایی برخوردار است که به حق، بایسته است برای آن ژانر (نوع) ادبی ویژه‌ای قایل باشیم. به‌ویژه شاعران عارف مشرب، در این ساحت شاهکارها آفریده‌اند و به جرأت می‌توان گفت بهترین شعرهای آنان در ژانر مناجات رخ نموده است» (بیابانکی و ولیئی ۱۳۹۴، ۸).

نیایش در ادبیات روسی

قبل از پرداختن به انواع اشعار نیایشی پوشکین، نگاهی گذرا به چگونگی ورود نیایش در آثار ادبی روسی خواهیم داشت.

علم ادبیات معاصر، امروزه متون ادبی با مضامین «متن مسیحی» را به‌شکل جدی مورد بررسی قرار می‌دهد. تاریخ‌نگار ادبی، ولادیمیر کاتلنیکوف^۱، این آثار محفوظ و واردشده در ادبیات روسی را، سیماها و سوزهای فرهنگ کلیسایی نامیده است.

^۱. В.А. Котельников(V.A. Kotel'nikov)

نیایش با کلیه اعمال مقدس و اسرارآمیز دینی همراه است و مهمترین عنصر اعمال مذهبی عمومی و فردی محسوب می‌شود. در سنت دینی، دعا به منزله «عمل اصلی معنوی»، «گفت‌وگویی درونی با خدا»، «راهی به سوی خدا»، «زاری دل»، «مام تمام اعمال نیکو»، «تکیه‌گاه معنوی» و «راهی به سوی احیای روح» درک می‌شود. نیایش به شکل رازونیز درونی، عمل شجاعانه و متواضعانه‌ای است که استمرار دارد. دعا سبب خداشناسی و احیای روح فرد می‌شود.

عبادت، سرودها و نیایش‌های کلیسایی، الهام‌بخش بسیاری از شاعران روسی بوده است. دعا برای شاعران «ارتباط زنده» با خدا محسوب می‌شود. پیداست که مهمترین انگیزه‌های هنری - شعری نیایش‌ها، توبه، اعتراف، طلب مغفرت، عبادت، تلاش صادقانه برای رسیدن به تکامل، جستجوی راه حقیقت، تلاش در راستای وحدت با خداوند و غیره قرار می‌گیرند.

منتقد ادبی تاتیانا کاشمچوک^۱ معتقد است، در اشعار روسی سده‌های هجده و نوزده «تقریباً در آثار هر شاعری، شعری با مضمون پیامبرانه، بازگویی سوژه‌های کتاب مقدس، دعا‌های مخصوص به-خود، اشعاری درباره جهان ماورایی و جهان حیوانی، تفکر درباره انسان، موضوع راه انحصاری شاعر، زائر خود، اهریمن خود، فرشته خود، و همچنین صومعه‌اش در ملکوت وجود دارد» (کاشمچوک ۲۰۰۹؛ ۶).

اوج معنویت شعر، بیان تأثرات نیایش در واژه‌های شعر است: «دعای روح^۲»، «نیایش^۳»، «به خداوند...^۴» از ف.ن. گلینکا^۵؛ «قلب انسانی^۶»، از ک.ف. ریلی-یف^۷؛ «نیایش آسمانی^۸»، «نیایش صبحگاهی^۹»، «دعای اسیر^{۱۰}»، «نیایش^{۱۱}» از و.ک. کیوخلیبکر^{۱۲}؛ «دعا برای فرشته نهمان^{۱۳}» از پ.آ.

^۱. T.A. Кошемчук (T.A. Koshemchuk)

^۲. «Молитва души» («Molitva dushi»)

^۳. «Моление» («Molenie»)

^۴. «К Богу» («K Bogu»)

^۵. Глинка (Glinka)

^۶. «Сердце человеческое» («Serdce chelovecheskoe»)

^۷. Рылеев (Ryleev)

^۸. «Молитва Господня» («Molitva Gospodnja»)

^۹. «Утренняя молитва» («Utrennjaja molitva»)

^{۱۰}. «Молитва узника» («Molitva uznika»)

^{۱۱}. «Молитва» («Molitva»)

^{۱۲}. Кюхельбекер (Kjuhel'beker)

^{۱۳}. «Молитва Ангелу хранителю» («Molitva Angelu hranitelju»)

ویازمسکی^۱؛ «سونت^۲»، «نیایش من^۳» از د.و. وینی‌ویتی‌نوف؛ «نیایش^۴» از ن.م. یازیکوف^۵؛ «همه در همه در معبد گرد تو جمع شده‌اند^۶» از و.آ. ژوکوفسکی^۷؛ «نیایش^۸» از م.یو. لرمانتف^۹؛ «دعا^{۱۰}» از ای.ای. کازلف^{۱۱}؛ «نیایش^{۱۲}» از آ.آ. گریگوریف^{۱۳} و غیره از آن جمله‌اند.

بحث و بررسی

نیایش‌های نهان آسمانی پوشکین

گنجاندن نیایش در بافت متن هنری - ادبی، به شعر پوشکین هم اختصاص دارد. دعا در اشعار پوشکین با نیایش دینی مرتبط است. نیایش بیانگر تلاش شاعر برای بیان حقیقت و وحی الهی به کمک زبانی گویا است.

واژه «نیایش» در اشعار پوشکین سبب تکمیل شکل شعر و سبک سنتی است. نیایش در شعر پوشکین تمامی حالات روحی را بازتاب می‌دهد: شکایت، خوشحالی، شغف، تأثر، ستایش، خودشناسی، اندوه، اعتراف، تحول و دگرگونی.

صاحب‌نظران و پژوهشگرانی مانند سمن فرانک^{۱۴}، والرئ لپاخین^{۱۵}، وادیم استارک^{۱۶}، ولادیمیر کاتلنیکوف، تاتیانا رادچنکو^{۱۷}، ایرینا یوریوا^{۱۸}، گالینا ماسالوا^{۱۹} و سایرین به مطالعه و بررسی «نیایش»

¹. Вяземский (Vjazemskij)

². «Сонет» («Sonet»)

³. «Моя молитва» («Moja molitva»)

⁴. Вeneвитинов (Venevitinov)

⁵. «Молитва» («Molitva»)

⁶. Языков (Jazykov)

⁷. «Теснятся все к Тебе во храм» («Tesnjatsja vse k Tebe vo hram»)

⁸. Жуковский (Zhukovskij)

⁹. «Молитва» («Molitva»)

¹⁰. Лермантов (Lermantov)

¹¹. «Молитва» («Molitva»)

¹². Козлов (Kozlov)

¹³. «Молитва» («Molitva»)

¹⁴. Григорьев (Grigor'ev)

¹⁵. С.Л. Франк (S.L. Frank)

¹⁶. В.В. Лепяхин (V.V. Lepahin)

¹⁷. В.П. Старик (V.P. Starik)

¹⁸. Т.А. Радченко (T.A. Radchenko)

¹⁹. И.Ю. Юрьева (I.J. Jur'eva)

²⁰. Г.В. Мосалова (G.V. Mosalova)

در اشعار پوشکین پرداخته‌اند.

نیایش در اشعار پوشکین بسان درخواست ادیبانه یا سپاس از خداوند، توسل به شفاعت آسمانی و درخواست کمک از مقدسات تلقی می‌شود. پوشکین بسیار محتاطانه و طبیعی نیایش را در اثر خود وارد می‌کند. موضوع نیایش در چارچوب تفکرات پوشکین درباره خدا، نزدیکان (دوست، همسر، فرزند)، وظیفه شاعر و شعر می‌گنجد. در شعر پوشکین اصولاً اشعار نیایشی مستقیم مذهبی وجود ندارد، ولیکن اشعار نیایشی او دارای تنوع است.

اکثر اشعار نیایشی پوشکین در قالب اعتراف، درخواست و تمنا، سپاسگزاری و خیرخواهانه است و موتیوهای اصلی اشعار او دوستی، عشق، هدف و مفهوم خلاقیت است.

پوشکین در چارچوب آثار شعری خود موضوع دوستی، عشق، خلاقیت، ارتباط متقابل انسان با جهان و خدا را تعمیق می‌بخشد. در اشعار او با مضمون نیایش، موضوع دوستی ارتباط تنگاتنگی با معیار مذهبی پیدا می‌کند. سیمای معشوق در چارچوب مقوله تأثر آشکار می‌شود و موضوع کاربرد شعر و استعداد هنری شاعر با ایده رابطه خدا و فرد همراه می‌شود.

پیام‌های شاعر به دوستان با مضمون نیایش، با محور دوستی به‌عنوان برادری، از نظر ایده لطف، تقابل و عشق به هم پیوند خورده‌اند: «جدایی^۱»، «به چا‌آدایف^۲»، «نخستین یارم، دوست گرانقدرم^۳»، «او در میان ما زندگی کرد...^۴» و غیره. شعر «هر چقدر لیتستی^۵ بیشتر جشن می‌گیرد...^۶» «گیرد...^۷» دارای قرابت معنایی با ترانه‌های مراسم خاکسپاری و مجلس ختم دارد به‌همین دلیل اثر پس از پوشکین «آهنگ مرده» نام گرفت و با دعایی درباره مرگ مرتبط شد و همچنین گفت‌وگوی شاعرانه ویژه‌ای با اشعاری مانند «۱۹ اکتبر ۱۸۲۷^۸» («خدا قوت، دوستانم^۹») که درباره دعا برای سلامتی است را فراهم ساخت.

اساس یک دوستی حقیقی همانگونه که پوشکین آن را دریافت، بر اساس عشق آسمانی و قرابت روحی بنا نهاده شده است که با نظم جهانی درک مذهبی مطابقت دارد. دعا برای دیگران که در پیام

^۱ «Разлука» («Razluka»)

^۲ «Чаадаеву» («Chaadaevu»)

^۳ «Мой первый друг, мой друг бесценный» («Moj pervyj drug, moj drug bescennyj»)

^۴ «Он между нами жил» («On mezhdu nami zil»)

^۵ - لیتستی: مدرسه روستای تزاری

^۶ «Чем чаще празднует Лицей» («Chem chashhe prazdnuet Licej»)

^۷ «۱۹ октября ۱۸۲۷ года» («۱۹ oktjabrja ۱۸۲۷ goda»)

^۸ «Бог помочь вам, друзья мои» («Bog pomoch' vam, druz'ja moi»)

پوشکین به دوستانش گنجانده شده است، مبدأ باوردینی خود را مستقیماً نشان می‌دهد.

اشعار اختصاص داده شده به زنان، حاوی دعای شاعر است و انگیزه الهی، عظمت حس دوست داشتن و برادری، به شکل طبیعی در آنها تأکید می‌شود. تمثال‌ها، سیمای زن در اشعار پوشکین هستند که در آثارش در قالب نماد معکوس ظاهر می‌شود و به وسیله توصیف زیبایی توأم با لایه معنوی، مفهوم درونی آن را آشکار می‌سازد («آکافیست»^۱ برای یکاترینا نیکالایونا کارامزینا^۲، «مه‌رو»^۳ (۱۸۳۲)، «مادونا»^۴، «به ***»^۵ (۱۸۳۲) و غیره). دقیقاً چنین درک پذیرش زیبایی در ادبیات کلیسایی کلیسایی انعکاس یافته است، جایی که زیبایی بیشتر ویژگی معنوی دارد تا ویژگی زیباشناختی.

اشعار درباره شاعر و مفهوم آثارش دارای ویژگی مهم است: تمایل حرکت شاعر از جهان مادی به سوی جهان ماورایی. در اینجا تصویر هنری ارتباط تنگاتنگی با انسان‌شناسی دینی دارد. در متون شاعرانه راهی برای گریز از «جمعیت» و حرکت به سمت انزوا و جستجوی آرامش و هماهنگی با «صداهای شیرین و دعاها» وجود دارد که از طریق نظاره شاعرانه امکان پذیر است («پیامبر»^۶، «به شاعر»^۷، «شاعر و ازدحام جمعیت»^۸ و غیره).

متون شاعرانه پوشکین روند شکل‌گیری موضوع دعا، تقویت تدریجی توجه شاعر به سیمایهای انزواجویانه و معنویت مسیحی را آشکار می‌سازند («خاطره»^۹، «در آغاز زندگی مدرسه را به یاد می‌آورم...»^{۱۰}، «زائر»^{۱۱} و غیره). این روند در اشعار پوشکین همچون دلتنگی برای خدا («صومعه در کازبک»^{۱۲})، بسان تلاش جهت آرامش قلبی («وقتش است، دوست من، وقتش است...»^{۱۳})، مانند تأثیر

۱- آکافیست: نیایشی است در قالب مدح، ستایش و ترانه باشکوه که در قالب همسرایی کلیسایی اجرا می‌شود. در متن مقاله با عنوان مدیحه تحسین‌آمیز آمده است.

۲. «Акафист Екатерина Николаевна Карамзиной» («Akafist Ekaterina Nikolaevne Karamzinoj»)

۳. «Красавица» («Krasavica»)

۴. «Мадонна» («Madonna»)

۵. «К ***» («K ***»)

۶. «Пророк» («Prorok»)

۷. «Поэту» («Pojetu»)

۸. «Поэт и толпа» («Pojet i tolpa»)

۹. «Воспоминание» («Vospominanie»)

۱۰. «В начале жизни школу помню я» («V nachale zhizni shkolu pomnju ja»)

۱۱. «Странник» («Strannik»)

۱۲. «Монастырь на Казбеке» («Monastyr' na Kazbeke»)

۱۳. «Пора, мой друг, пора» («Pora, moj drug, pora»)

از دعاهای کلیسایی و پیروی از کلام انجیل («پدران راهب و زنان بی‌گناه...»^۱)، «زائر») و مانند ایده‌ای ای درباره‌ی رهایی روح، روز قیامت، زندگی جاویدان آینده («وقتی خارج از شهر، غرق در افکار، پرسه می‌زنم»^۲)، «خدا برایم رویای شگفت‌انگیز نازل کرد»^۳ و غیره). تجلی پیدا می‌کند. در اشعار بعدی، پوشکین بطور آگاهانه تلاش می‌کند متون خود را با کتاب مقدس، روایت مقدس میهنی و عبادات دینی ارتباط بدهد («پدران راهب و زنان بی‌گناه...»، «به تاسی از ایتالیایی»^۴)، «حکومت دنیوی»^۵)، «از پیندمونت»^۶ و غیره).

شاعران ایرانی هم اشعاری با این مضامین سروده‌اند، مانند این غزل سعدی که در بردارنده‌ی انواع زیادی از نیایش‌های پوشکینی است:

ثنا و حمد بی‌پایان خدا را	که صنّعش در وجود آورد ما را
الها قـادرا پروردگـارا	کریمـا منعمـا آمرزگـارا
چه باشد پادشاه پادشاهان	اگر رحمت کنی مشتی گدا را
خداوندا تو ایمان و شهادت	عطا دادی به فضل خویش ما را
وز انعامت همیدون چشم داریم	که دیگر باز نستانی عطا را
از احسان خداوندی عجب نیست	اگر خط درکشی جرم و خطا را
خداوندا بدان تشریف عزت	که دادی انبیا و اولیا را
بدان مردان میدان عبادت	که بشکستند شیطان و هوا را
به حق پارسایان کز در خویش	نیندازی من ناپارسـا را
مسلمانان ز صدق آمین بگویند	که آمین تقویت باشد دعا را
خدایا هیچ درمانی و دفعی	ندانستیم شیطان و قضا را
چو از بی دولتی دور افتادیم	به نزدیکان حضرت بخش ما را
خدایا گر تو سعدی را برانی	شـفیع آرد روان مصـطفی را

^۱. «Отцы пустыnnики и жены непорочны» («Otcy pustynniki i zheny neporochny»)

^۲. «Когда за городом, задумчив, я брожу» («Kogda za gorodom, zadumchiv, ja brozhu»)

^۳. «Чудный сон мне Бог послал» («Chudnyj son mne Bog poslal»)

^۴. «Подражание Италиянскому» («Podrazhanie Italijanskomu»)

^۵. «Мирская власть» («Mirskaja vlast'»)

^۶. «Из Пиндемонти» («Iz Pindemonti»)

محمد سید سادات عالم چراغ و چشم جمله انبیا را
(سعدی، مواعظ)

نیایش در اشعار دوستانه پوشکین: دوستی همچون برادری
شخصیت پوشکین در محفل دوستانش در لیتسکی روستای تزاری، جایی که شاعر در سال‌های
۱۸۱۷-۱۸۱۱ تحصیل می‌کرد، شکل گرفت. اولین مجموعه اشعار «دوران لیتسکی» پوشکین «۱۹
اکتبر» («جنگل تن‌پوش قرمزش را به زمین می‌اندازد»...، سال ۱۸۲۵) محسوب می‌شود. شعر «۱۹
اکتبر» در قالب شعرهای نیایشی نمی‌گنجد، اما این متون سنت نگارش اشعار دوران لیتسکی را نشان
می‌دهد. پوشکین در این متون «آرمان‌های برادری» را که بر پایه ارزش‌های پایدار بنا نهاده شده به
شعر درمی‌آورد:

دوستان من، اتحاد ما زیبا است!
او بسان روح جان، ابدی و جدایی‌ناپذیر است
راسخ، آزاد، فارغ‌بال
اتحاد ما در سایه الهه‌های دوستی پیوند خورد.
تقاضای «خیر و برکت» در این شعر پوشکین، خطاب به آثار منظوم («الهه مسرور»^۲) - به هدیه
خداوندی، و آرزوی قلبی - به برادری («درود بر لیتسکی»^۳) است.
در شعر «جدایی»^۴ (۱۸۱۷) نیایش غیرمستقیم گنجانده شده است:
بیخس! هر کجا که می‌توانستم باشم: در آتش نبرد مرگ‌بار
در سواحل آرام رودهای وطنی
من به برادری مقدس ایمان دارم
و بگذار (آیا سرنوشت دعا‌های مرا می‌شنود؟)،
بگذار همه خوشبخت شوند، همه دوستان!
گواه صمیمیت و سادگی این سطور خطاب‌های دوستانه «برادر عزیز زندگی دوران لیتسکی»،
«دوست عزیز»؛ تکرار «همه، همه»؛ فعل امر احساسی که با کلمات «بگذار همه خوشبخت شوند»، و
همین‌طور پرسش و ندا در این ابیات است. به همین دلیل در اشعار پوشکین دعا برای دوستان نزدیک

^۱. «Роняет лес багряный свой убор» («Ronjaet les bagrjanuj svoj ubor»)

^۲. «ликующая муза» («likujushhaja muza»)

^۳. «Да здравствует Лицей» («Da zdravstvuet Licej»)

^۴. «Разлука» («Razluka»)

صادقانه طنین انداز است.

نکته مهم این است که توجه پوشکین به اشعار نیایشی دقیقاً در آثار منظوم دوستانه‌اش (در پیام-هایی به دوستان) شکل می‌گیرد. شعر «به چا‌آدایف» متضمن نیایش تمنایی است («در کشوری که من نگرانی‌های سالیان گذشته را فراموش کرده‌ام...»^۱، ۱۸۲۱):

یک آرزو: تو با من بمان

من با نیایش دیگری، عذاب ندادم آسمان‌ها را...

آه، دوست من، آیا زمان جدایی بزودی فرامی‌رسد؟

چه هنگام واژه‌های عشق و دست را پیوند دهیم؟

چه هنگام من سلام قلبی تو را خواهم شنید؟

چگونه تو را در آغوش خواهم کشید! ...

چنین لحن عاطفی و احساسات گرم در شعری که به ایوان ایوانویچ پوشین اهدا شده هم به-گوش می‌رسد («نخستین یارم، دوست گرانقدرم...»، ۱۸۲۶).

نخستین یارم، دوست گرانقدرم

و سرنوشت را سپاس گفتم

آن زمان که حیات متروک من

با برف اندوه محبوس شده بود

ناقوس تو به صدا در آمد

از خالق مقدس التماس می‌کنم:

تا صدایم به روحت

تسلیمی خاطر هدیه کند

و با پرتو روزهای درخشان لیتسئی

حبس را بر تو روشنایی بخشد! (ترجمه کریمی مظهر ۱۳۹۶، ۷)

پنج مصرع نخست با خطاب ندایی آغاز می‌شود: «نخستین یارم، دوست گرانقدرم!...» در ادامه پوشکین از شادی حاصل از ملاقات با دوست نمی‌گوید، بلکه بیشتر از حس عشق، قرابت روحی که بیانگر نیایش شاعر است صحبت می‌کند که در این متن نشانگر اهمیت معنایی ویژه‌ای است. پنج مصرع دوم با یک جمله ندایی بیان می‌شود که شاعر در آن آنچه که نهان است، به‌زبان می‌آورد: «...»

^۱. «В стране, где я забыл тревоги прежних лет» («V strane, gde ja zabyl trevogi prezhnih let»)

از خالق مقدس التماس می‌کنم / تا صدایم به روح / تسلی خاطر هدیه کند / و با پرتو روزهای درخشان لیتسی / حبس را بر تو روشنایی بخشد!...». روزهای اقامت مشترک در لیتسی «درخشان» نامیده شده‌اند و روابط دوستانه دعا برای دوست را می‌آفریند. صدای «ناقوس/زنگوله» نماد شادی غیرمنتظره و خبرخوش است. مقایسه معنایی تصادفی نیست: صدای ناقوس، مسیحیان را به نیایش کلیسایی فرامی‌خواند. ناقوس لحظه دلپذیر ملاقات برادری با انتظار طولانی را اعلام کرده است. صدای ناقوس دلخوشی و آرامشی را برای شاعر به ارمان می‌آورد که به خاطر آن از خالق مقدس سپاسگزاری می‌کند.

با شعر «۱۹ اکتبر سال ۱۸۲۷»، سنت اشعار تغزلی اختصاص یافته به «برادری مقدس»، ادامه پیدا می‌کند. ای. یو. یوری‌یوا^۱، پژوهشگر، تناسب این متن را با دعای اعظم^۲ خاطر نشان می‌کند: «برای شناگران، مسافران، امراض، بیماران، اسیران و درباره نجات آنها به درگاه خدا دعا می‌کنیم» (یوری‌یوا ۱۹۹۹، ۳۳۶). مقایسه‌های مستقیم متن شعر با متن‌هایی از دعا‌های کلیسایی، مهم است و تصادفی نیست. ریشه واژه یکتینیا یونانی و به معنای ممارست و جد است: «مجموعه دعا، که به شکل ممتد از شماس یا کشیش گرفته شده است» (فرهنگ دایره المعارف: ۱۹۹۳، ۵۲۸). پوشکین در شعر خود برای دوستانش در موقعیت‌های گوناگون زندگی دعا می‌کند. مضمون دعای او تمنای است: خدا قوت، دوستانم! / در طوفان‌ها و در اندوه زندگی / در غربت، در دریای تهی / و در پرتگاه‌های ملال‌انگیز زمین!

بنابراین، پیام‌های پوشکین به دوستان با مضمون دعا، بازتاب‌دهنده اتحاد و همبستگی مقدس - برادری هستند. اساس اتحاد دوستی واقعی، همانگونه که پوشکین آن را دریافت - بر عشق مذهبی و قرابت روحی بنا نهاده شده است.

نیایش و «ارکان معنوی» سیمای معشوقه در اشعار الکساندر پوشکین

اگر نیایش برای دوستان در اشعار اولیه پوشکین مشاهده می‌شود، ولی برای معشوقه در شعرهای دوران بلوغ شعری او ظهور می‌یابد. تمایل به عشق ایدئال، کاملاً عاقلانه و فداکارانه که مبتنی بر ارزش‌های مذهبی است، جایگزین شور و اشتیاق و احساسات جوانی می‌شود. «مدیحه تحسین‌آمیز برای یکتارینا نیکالایونا کارامزینا»^۳ (۳۱ ژوئیه، سال ۱۸۲۷) پوشکین، بر مبنای ژانر اشعار کلیسایی

^۱ И.Ю. Юрьева (I.Ju. Jur'eva)

^۲ - دعای اعظم یا کبیر همان یکتینیا یا ولیکایا یکتینیا (Великая ектенія/Velikaja ektenija) است. منظور تمنای نستوه و جدیت بسیار در نیایش است.

بنا نهاده شده است. این شعر پوشکین در آلبوم ی.ن. کارامزینا^۱، دختر مورخ مشهور، نیکالای میخائیلوویچ کارامزین^۲ آمده است. شاعر با انتخاب شکل آکافیست (مدیحه تحسین آمیز)، لحن متعالی، دستور زبان، واژگان زبان اسلاو کلیسایی («احترام»، «تأثر»، «نورانیت»، «سکوت سبک آسمان‌ها» و غیره) به چهره زن، شخصیت مذهبی می‌بخشد. حتی عنوان شعر، نماد واقع می‌شود که ارتباط مستقیمی با سنت کلیسایی دارد و «عناوین» آنها هم شبیه عناوین متون کلیسایی است، مانند: «مدیحه تحسین آمیز برای شهید بزرگ یکاترینا^۳»، «مدیحه تحسین آمیز برای کشیش سرگئی رادانزسکی^۴»، «مدیحه تحسین آمیز برای اسقف نیکالای^۵» و غیره.

در «مدیحه تحسین آمیز برای یکاترینا نیکالایونا کارامزینا» شاعر با تأثر، ستایشگر زن است: چنین با تأثر تقدیم می‌کنم / تاج گل ساده و پژمرده‌ام را / به تو، ستاره بلند / در سکوت لطیف آسمان‌ها. شاعر در مقابل بزرگی زن سر تعظیم فرود می‌آورد و متأثر است: «با تأثر تقدیم می‌کنم». بر اساس سنت، تأثر با ادراک حسی دنیوی و پدیده‌های آن، ارتباط ندارد، برعکس، این حالت، هدیه پربرکت روحی است، مبرا از امیال و ساکن در قلبی پاک است. تأثر در مقابل زیبایی آسمانی یک زن، احساس پرستش مذهبی را به وجود می‌آورد. زیبایی زنانه در درک پوشکین به عنوان زیبایی خلقت خداوند تلقی می‌شود.

دعا در شعر «من شما را دوست داشتم، ممکن است هنوز عشقی باشد...»^۶ (۱۸۲۹) دارای بار معنایی ویژه‌ای است. اندیشه معنوی شعر در حالت احساسی - روحی شاعر نهفته است که آرزوی دعای نهایی را برای معشوقه می‌فرستد: چنان صادقانه شما را دوست داشتم، چنان مهربانانه / خدا به شما دوستدار دیگری دهد.

در این مورد عبارت دعایی «خدا به شما دهد» متضمن بار معنایی مهمی است. مناجات - دعای خیر، که دربرگیرنده مخفف نام «خدا» است، شعر را به سطح جدیدی می‌برد که محتوای همه متن را تغییر می‌دهد.

ستایش نیایشی در سونت «مادونا» (۸ ژوئیه، ۱۸۳۰) را پوشکین به همسر خود، ناتالیا نیکالایونا

^۱. Карамзина (Karamzina)

^۲. Николай Михайлович Карамзин (Nikolaj Mihajlovich Karamzin)

^۳. «Акафист великомученице Екатерине» («Akafist velikomuchenice Ekaterine»)

^۴. «Акафист преподобному Сергию Радонежскому» («Akafist prepodobnomu Sergiju Radonezhskomu»)

^۵. «Акафист святителю Николаю» («Akafist svjateljju Nikolaju»)

^۶. «Я вас любил: любовь ещё, быть может» («Ja vas ljubil: ljubov' eshhjo, byt' mozhet»)

گانچاروا اهدا کرده است. گانچاروا به ایدئال‌های خانوادگی پوشکین کاملاً پاسخ داد: مهربان، نرم-خو، مذهبی. پوشکین سطور عالی زیبایی را به گانچاروا تقدیم کرد: آرزوهایم برآورده شدند. خالق / تو را به من اعطا کرد، تو را، مادونای من / پاک‌ترین نمونه پاک‌ترین لطافت. در شعر واژه‌های سپاسگزاری از خالق صمیمانه به گوش می‌رسند، این ستایش نیایشی جهت نزول پاک‌ترین الگو برای شاعر است («پاک‌ترین نمونه پاک‌ترین لطافت»).

شعر «مەرو» (مه - ژوئن، ۱۸۳۲)، به این مجموعه موضوعی ارتباط دارد که به یلنا میخائیلونا زاوادوفسکایا^۱، همسر دوست پوشکین (گراف زاوادوفسکی^۲) اختصاص یافته است. بنا به شهادت معاصرین، زاوادوفسکایا با زیبایی منحصر به فردی متمایز می‌شد، او را «بانوی اول زیبایی» می‌نامیدند.

شاعر در این متن، زیبایی روحانی را ستایش می‌کند. زیبایی زن توسط پوشکین به‌عنوان آفریده خداوند و هدیه الهی توصیف شده است: همه چیز در او هماهنگ و همه چیز خارق‌العاده است / همه چیز بالاتر از دنیا و امیال است / او خجولانه تعظیم می‌کند / در زیبایی شکوهمند خویش. احساس حقیقی و بی‌نقص ارائه شده در شعر کاملاً شاعرانه و به‌درستی روانشناسانه و خالصانه است - زیبایی بدون عیب ظاهری و درونی: «این زن رقیب و دوستی ندارد». تصویر ساخته شده توسط شاعر در این شعر منتهی به درک الگوی اول می‌شود، که تماس با او در پوشکین، نیایش نظاره‌ای را بر می‌انگیزد: «به هر کجا که عجله کردی ... اما در ملاقات با او، شرم‌منده و خجالی / ناخواسته توقف می‌کنی ... / با احترام پرهیزکارانه / مقابل زیبایی مقدس». پوشکین با حالت خاصی به عبادت مقدسانه اشاره می‌کند که ناشی از نظاره «زیبایی مقدس» است. زیبایی حقیقی نزد پوشکین، زاییده تقدس است. دیدار با زن زیبا، انگیزه ستایش و نیایش را در شاعر بر می‌انگیزد و قدرت خلاقیت را در او می‌آفریند.

قهرمان زن اشعار پوشکینی همچون آفریده الهی، ایدئال تجسم خلقت اندیشه الهی است. در این اشعار است که انگیزه معنوی خود حس دوست داشتن، حس برادری طبیعتاً احیا می‌شود. در اینجا صفاتی مانند «پاکی»، «آسمانی»، «آرام» نقش مهمی ایفا می‌کنند.

زن در اشعار پوشکین، تجلی‌گر نمادی از تمثال است: زیبایی‌اش درخشان است، همچون وجود خیر و حقیقت.

پوشکین زیبایی زنانه را از بعد جهان‌بینی مذهبی درک کرده است: زیبایی زنانه به افول هوس،

^۱ Елена Михайловна Завадовская (Elena mihajlovna Zavadvovskaja)

^۲ Завадовский (Zavadovskij)

چیره‌شدن بر سکوت و آرامش، یادآوری‌کننده جهان آسمانی و پارسایی معنوی است.

نیایش‌های پوشکین درباره شاعر و مفهوم خلاقیت آثار

شعر «پیامبر»^۱ (۱۸۲۶) موتیوهای اصلی ویژه کلیه آثار و بالاخص اشعار سال‌های پایانی پوشکین

را در خود متمرکز کرده است. به نظر می‌رسد در شعر، هیچ متن نیایشی مستقیمی وجود ندارد، اما

دعا وجود دارد، فقط تاحدودی متفاوت بیان شده است:

پیامبر

عذاب، تشنگی روح، من، کویر و شب
و پرسه در دل ظلمت صحرا، در دل تب
سر دوراه... که یک حس ناگهان آمد
همان فرشته شش بال از آسمان آمد
که پلک‌های مرا دست، دست مرهم شد
و بر لبان ترک‌دار تشنه‌ام خم شد
که گوش‌های مرا از صدا، صدا پر کرد
و از سرود بلوغ درخت‌ها پر کرد
و چون لبان مرا دست او نوازش کرد
زبان پرگنهم را ز کام درآورد
زبان بیهوده‌گوی مرا کنار نهاد
به جاش نیش حکیمانه در دهان جاداد
و دست راست خود را که غرق در خون بود
گذاشت بر عطش‌م، بر لبان خشک و کبود
شکافت با نوک شمشیر سینه من را
و از درون سینه درآورد قلب پرپر را
سپس نهاد لیب زغال افروخته
درون سینه شمشیر خورده سوخته
شبیبه یک جسد آنجا به خاک افتادم
طنین وحی به گوشم رسید در آن دم:

^۱. «Пророк» («Prorok»)

«پیامبر بنگر، درک کن و برپاخیز

هر آنچه خواسته‌ام، آن بشو، ز من نگریز

بگرد در دل صحرا و پهنه دریا

و با کلام بسوزان تو قلب مردم را» (ترجمه کریمی مطهر ۱۳۹۶، ۳۰)

پوشکین با عبارت «و پرسه در دل ظلمت صحرا» این چنین حالت نیایشی ویژه خود را که بیانگر دعا - سکوت است، به‌عنوان اعراض کامل یا موقت از عطش درونی زمینی و غایی درباره ارتباط با خدا عرضه می‌کند. «عطش روحی» به‌عنوان عطش نسبت به خدا، «ظلمت صحرا» به‌عنوان موقعیت ناگوار و عذاب‌آور تلقی می‌شود. «پرسه زدن» به‌عنوان حالت مردگی و بی‌حسی درک می‌شود. این مجموعه گویا و روشن، اغلب برای توصیف حالت روحی فرد (غم، فنا، ناامیدی، کسالت) دیده می‌شود.

جهان واقعی پیرامون رهرو سخت و ناامیدکننده است، چرا که غیرمعنوی و نابودشده است. «تشنگی روحی» در نتیجه ملاقات با «رسول» خدا رفع می‌شود: «همان فرشته شش بال از آسمان آمد / که پلک‌های مرا دست، دست مرهم شد...» و سپس در ملاقات با خود خداوند: «طنین وحی به گوشم رسید در آن دم: / «پیامبر بنگر، درک کن و برپاخیز / هر آنچه خواسته‌ام، آن بشو، ز من نگریز / بگرد در دل صحرا و پهنه دریا / و با کلام بسوزان تو قلب مردم را...». اگر رنج «تشنه» و «پرسش» نبود، هیچ «صدای خدا» و دعوت نیایش او هم نبود.

پوشکین در شعر «پیامبر» به‌شبه هنری به رهرو که آغازگر راه صعود معنوی به‌سوی خداست، توجه می‌کند. بدین ترتیب رهرو مفهوم واقعی زندگی را می‌یابد.

به عقیده بسیاری از منتقدان شعر «پیامبر»، داستان بعثت پیامبر اکرم (ص) است و در آن روحیات شاعران در لحظات خاص الهام با مبعث پیامبر اسلام مقایسه می‌شود. «اکثر محققان روسی معتقدند که شعر «پیامبر»، توصیف حالت روحی و روانی شاعر است. پوشکین در این شعر، وظیفه شاعر را به وظیفه انبیا تشبیه کرده است. داستانی که در اینجا تعریف شده، در واقع توصیف حالت شاعران در لحظات خاص الهام و سرودن شعر است. چشم، گوش، قلب و زبان او به حالتی درآمده که برای او ضروری است. ضرورت و هدف این حالت در بیت آخر به‌روشنی عنوان شده است:

بگرد در دل صحرا و پهنه دریا و با کلام بسوزان تو قلب مردم را

شاعر در ابیات پایانی چنین نتیجه‌گیری می‌کند که با وجود این نعمات یعنی چشم، گوش، زبان و قلب مخصوص که تو داری، ای پیامبر! برخیز و حقیقت را تبلیغ کن و قلب مردم را بسوزان!

در اینجا شاعر نشان می‌دهد هنرمند واقعی باید پیامبرگونه، از طرفی همه وجود خود را کاملاً وقف کند، و از طرف دیگر در پذیرش و تبلیغ حقیقت، عطش داشته باشد، از دنیا ببرد و در کویر، در خلوت خود، منتظر فرشته شش‌بال باشد.

شاعر نشان می‌دهد که زبان بیهوده‌گوی قادر نیست قلب مردم را بسوزاند؛ و برای این کار، زبان حکیمانه لازم است. او نه با نیرنگ، بلکه با قلبی باز به سوی مردم می‌رود.

در این شعر، پوشکین وظیفه هنرمند و شاعر واقعی را تبلیغ کلام حق می‌داند و هنر واقعی نیز باید در خدمت مردم و حقیقت باشد. منتقد روسی ایلیا براژنین^۱ می‌نویسد:

داستانی که در شعر پیامبر آمده است، ابتدا برای من عجیب به نظر می‌رسید؛ ولی پس از قدری تأمل به این نتیجه رسیدم که این حالت به هیچ‌وجه هم نمی‌تواند عجیب باشد، حتی بر عکس، برای نویسندگان کاملاً طبیعی است. آن حالتی که در شعر پیامبر برای شاعر اتفاق افتاده است، دیر یا زود برای هر نویسنده واقعی‌ای که روح و جان خود را وقف کار خود کرده باشد نیز در یک لحظه اتفاق می‌افتد، آگاه‌تر و بیناتر می‌شود و دنیا را طوری می‌بیند که تا کنون ندیده است! (برازنین ۱۹۷۸، ۲۳۹) مطالعه شعر «پیامبر»، به‌خصوص بخش پایانی آن، انسان مسلمان و شرقی را به یاد داستان بعثت پیامبر اکرم (ص)^۲ می‌اندازد: جبرئیل امین از جانب پروردگار فرود می‌آید، پیامبر را در آغوش می‌گیرد، جهالت را از او می‌گیرد و اولین آیات الهی یعنی کلام وحی را در دل او قرار می‌دهد و از او می‌خواهد با کلام وحی مردم را آگاه کند» (کریمی مظهر ۱۳۹۶، ۱۳۰).

شعر «شاعر»^۲ (۱۵ اوت ۱۸۲۷) مشابه شعر «پیامبر» است چرا که به‌طور چشمگیری تعدادی از واژگان در هر دو اثر انعکاس یافته است («تا گوش حساس را لمس می‌کند» - «و گوش‌های مرا لمس کرد»، - «همچون عقاب نر بیدار» - «عقاب ماده وحشت‌زده» و غیره). ترکیب دو بخشی شعر «شاعر» پاسخگوی دوگانگی شاعر است که به دو جهان تعلق دارد و در دم قادر است از جهان پوچ و تهی به جهان آفرینش و خلاقیت، بنا بر ندای غیرمنتظره ناخودآگاه از جهان مشابه مافوق راه یابد:

حال که آپالون دیگر شاعر را

به قربانی مقدس نمی‌طلبد

در گرفتاری‌های دنیای پوچ

بزدلانه غرق شده است

ساز مقدسش ساکت است

^۱. Илья □ Бра □ жнин (Iliya Brazhnin)

^۲. «Поэт» («Poet»)

روح، خواب سردی را می‌چشد
و در میان کودکان بی‌ارزش جهان
شاید او ناچیزتر از همه باشد
لیک تنها افعال الهی
تا گوش حساس را لمس می‌کند
روح شاعر تلنگری می‌خورد
همچون عقاب بیدار شده
شاعر در سرگرمی‌های دنیوی دلتنگ است
از شایعات دوری می‌جوید
به پای بت مردمی
سر مغرور را خم نمی‌کند
این انسان سخت و وحشی می‌گریزد
و مملو از صداها و هیجان است
در ساحل امواج آرام
به سوی بیشه‌زارهای پر هیاهو ...

پس از «فشای» آنچه‌که هدیه‌ شاعر بود و به هدیه‌ اراده‌ الهی مبدل شد، یعنی همان چیزی که ویژگی متمایز شاعر در میان «کودکان بی‌ارزش جهان» به حساب می‌آید، شاعر «در انتظار» عمل الهی است. آن هنگام ساز چنگ شاعر حقیقی باید مقدس باشد.

از نظر ایده، در شعر «شاعر» تغییر حالات شاعر مطرح می‌شود، در حالی‌که در شعر «پیامبر» از وقایع معنوی استثنایی سخن می‌رود. «ساز مقدس» و «گوش حساس» («شاعر») دعوت به خلق اثری خالص و پربرکت است - «نجوهای شیرین و نیایش‌ها». دقیقاً این سطور، سطور پایانی در شعر «شاعر و ازدحام جمعیت» هم هستند (۱۸۲۸).

ای شاعر، با عشق مردم گران‌شمار.
هیاهوی لحظه‌ای تحسین‌های پرشور می‌گذرد،
می‌شنوی داوری احمق را و خنده جمعیت خونسرد را:
ولیکن تو محکم، آرام و عبوس باقی بمان
تو پادشاهی: تنها زندگی کن. با آزادی گرانقدر
برو، به آنجا که ذهن آزاد تو را می‌کشاند

با تکامل ثمره‌های اندیشه‌های ارزشمند
 بدون درخواست پاداش در ازای قهرمانی شرافتمندانه
 آنها در وجود تو هستند، تو خود دادگاه عالی خود هستی
 تو می‌توانی ارزیابی کنی کار خود را سخت‌تر از همه
 هنرمند سختگیر، آیا به این راضی هستی؟
 راضی هستی؟ پس بگذار جمعیت به او دشنام دهد
 و در محرابی که آتش تو می‌سوزد، تفت اندازد
 و در شیطنت کودکی سه پایه‌ات را بجنباند.

در اثر «به شاعر» تأکید می‌شود که شاعر حقیقی کسی نیست که سرگرم شهرت شده یا در جستجوی سپاسگزاری است، کسی که به دیگری تاسی می‌کند یا تقاضای پاداش ظاهری دارد، بلکه شاعر حقیقی کسی است که به دنیای معنوی تعلق دارد. بر اساس نوع شغل و انتخاب خود شاعر «پادشاه» است، او قهرمانی شرافتمندانه‌ای را خلق می‌کند، «تنها» زندگی می‌کند و در مقابل «ازدحام جمعیت» طاقت می‌آورد (خضوع و خشوع).

شاعر پوشکینی، هنرمندی الهی و آفریننده است. در حالت‌هایی دربارهٔ جمعیت به شکل مشخص تری صحبت می‌شود: جمعیت به غیظ می‌آید، در حالی که ماهیت غیرواقع و شیطنانی‌اش پدیدار می‌گردد. هنرمند - آفریننده با ذهن آزاد، فعال و تیزبین به شناخت حقیقی توجه دارد. به این نکته توجه کنیم که در اشعار فوق‌الذکر، مفهوم کلمه «شاعر» تغییر می‌یابد: در ابتدا خیالی‌باف و دوست‌دار الهه در شعر «خیالی‌باف»^۱، در ادامه پیامبر در شعر «پیامبر» و سپس شنونده، زحمتکش، در شعر «شاعر» است.

نتیجه‌گیری:

همانطور که ملاحظه شد، نیایش در آثار ادبی فارسی و روسی غالباً به تاسی از ادیان الهی سروده شده‌اند و دارای جایگاه منحصر به فرد، هنرمندانه و عرفانی است و پیرامون این موضوع در متون مذهبی و ادبی کهن و معاصر سخن فراوان است. نیایش در اشعار پوشکین که متأثر از اعتقادات دینی او آفریده شده‌اند، حامل پیام خداشناسی و پیوند او با عالم ملکوت و درواقع خلوت کردن شاعر با معبود خویش است.

بنابراین، نیایش، توجه معنوی، مناجات به تدریج به بالاترین ظهور «فعل الهی» در شعر پوشکین تبدیل می‌شود. ویژگی خاص اشعار دربارهٔ وظیفهٔ شاعر، گرایش به جهان دیگر، جهان ماورا

^۱. «Мечтатель» («Mechtatel'»)

محسوب می‌شود. در اینجا، تصویر هنری با انسان‌شناسی دینی ارتباط تنگاتنگی دارد: شاعر در درون خود، هدیه ویژه‌ای از خدا دارد که هدیه‌ای است برای توجه به صدای خدا.

منابع و مأخذ:

- ۱- بیابانکی سعید و قربان ولیئی (گردآورنده)، (۱۳۹۴)، نیایش نامه «مناجات‌های منظوم ادب فارسی»: آثار منظوم نیایش در ادبیات فارسی، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۲- دهخدا علی‌اکبر، (۱۳۸۵)، لغت‌نامه، فرهنگ متوسط دهخدا زیر نظر دکتر سید جعفر شهیدی، دو جلدی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳- سعدی مصلح بن عبدالله، (۱۳۷۶)، بوستان، تصحیح متن و شرح لغات حسین استاد ولی، انتشارات قدیانی، تهران.
- ۴- سعدی مصلح بن عبدالله، (۱۳۷۶)، گلستان، تصحیح متن و شرح لغات حسین استاد ولی، انتشارات قدیانی، تهران.
- ۵- عطار نیشابوری فریدالدین، (۱۳۳۹)، دیوان قصاید و ترجیعات و غزلیات، با تصحیح سعید نفیسی، چاپ سوم، انتشارات کتابخانه سنائی، تهران.
- ۶- فردوسی ابوالقاسم، (۱۳۸۴)، شاهنامه، تصحیح، فرهنگ لغات، و مقابله با نسخه ژول مول: ناهید فرشادمهر، نشر محمد^(ص)، تهران.
- ۷- کریمی مطهر جان‌اله و مرضیه یحیی‌پور، (۲۰۱۷/۱۳۹۶) الکساندر پوشکین و مشرق‌زمین، تهران، ناشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم.
- ۸- Бражнин И.Я. Сумка Волиебника. Л., ۱۹۷۸.
- ۹- Котельников В.А. Христианский реализм Пушкина // Духовный труженик: А.С. Пушкин в контексте русской культуры. СПб., ۱۹۹۹.
- ۱۰- Кошемчук Т.А. Русская литература в православном контексте. СПб., ۲۰۰۹.
- ۱۱- Христианство: энциклопедический словарь. В ۲ т. Т. ۱. М., ۱۹۹۳.
- ۱۲- Юрьева И.Ю. Молитвы в текстах Пушкина // Духовный труженик: А.С. Пушкин в контексте русской культуры. СПб., ۱۹۹۹.

Secret Heavenly Prayers in Alexander Pushkin's Poems**Marzieh Yahyapour¹***Professor of Russian Language and Literature, Faculty of Foreign Languages and Literature, University of Tehran, Iran.***Janolah Karimi-Motahhar²***Professor of Russian Language and Literature, Faculty of Foreign Languages and Literature, University of Tehran, Iran.***Maltseva Tatiana Vladimirovna³***Professor at Pushkin Leningrad State University, St. Petersburg, Russia.***Masoumeh Mirzaie⁴***M.A Student of Russian Language and Literature, University of Tehran, Iran.***Abstract:**

The article first makes a brief reference to the origin of prayer that is influenced by individual and social beliefs, and then goes into the literary works and how they are expressed by Persian and Russian writers and poets. Prayer literary works are often influenced by the beliefs of writers and poets. There is a lot of information about prayer in ancient and contemporary literary texts. Prayer has many forms, and in prose and poetry literature, it often carries the message of theology and human connection with the divine realm, and in fact the writer and poet are left with a God. Many writers and poets from Iran and Russia have addressed this issue in their works, such as Rumi, Saadi, Hafez, Farabi, Attar, Pushkin, Lermontov, Bonin, and others. Some are based on the themes of the religious texts or under the influence of the wonders of the universe. Persian worship literature begins with the praise of God, such as Ferdowsi's *Shahnameh*, Sa'adi's *Golestan* and *Bustan* and Attar's *Poetry Divan*. Various centuries of Russian literature have also seen works of worship in various forms. The present study deals with the case of the prayer in Alexander Pushkin's poetry, which is influenced by his religious beliefs. Prayer in Pushkin's poetry is in the form of literal praise or praise to God and seeking blessings. His prayers for God, his neighbor, are the duty of poet and poetry. The spiritual peak of Pushkin's poetry is the emergence of the "Divine Verb". He leaves the material world with art and with the help of religious anthropology and then moves on to the supernatural world.

Keywords: Prayer, Poet, Prayer Poems, Pushkin, "Divine Verb".

1 E-mail: myahya@ut.ac.ir; orcid: 0000-0001-8195-6909 (Corresponding author)

2 E-mail: jkarimi@ut.ac.ir; orcid: 0000-0002-6072-5797

3 E-mail: kafliit@yandex.ru

4 E-mail: m.mirzaei1973@ut.ac.ir